

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### جلسه‌ی دوم

#### ایمان 2

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» از تو می‌پرسند ای پیامبر در مورد انفال، سوال می‌کنند که انفال برای کیست و حق کیست؟ انفال را مختصراً می‌توان به این صورت ترجمه کرد: انفال یعنی ثروت‌هایی که به عموم مسلمانان متعلق است. «قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ» انفال از آن خدا و از آن پیامبر است.

از آن خدا یعنی چه؟ یعنی مال یک عده معینی از بندگان خدا نیست. آن چه مال خداست، آن چه که باید نام مال خدا به روی آن گذاشت؛ این در حقیقت آن چیزی است که باید صرف بشود در اهداف الهی. "وَالرَّسُولُ" یعنی چه؟ از آن رسول است یعنی چه؟ مگر رسول یک قطبی در مقابل خداست؟! نه، رسول در اینجا به عنوان رسالت و نبوت مطرح نیست؛ به عنوان حکومت الهی مطرح است. یعنی وقتی که رسول از دنیا رفت امام همه کاره‌ی انفال است. امام یعنی حاکم الهی. در روزگاری که امام معصوم بر مردم حکومت نمی‌کند؛ آن کسی که از سوی خدا می‌تواند و می‌باید بر مردم حکومت بکند او همه کاره‌ی انفال و ثروت‌های عمومی می‌شود.

بعد از آنی که مصرف انفال را معین می‌کند، می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» اگر مومن هستید این سه کار را انجام بدهید. اولاً تقوای خدا پیشه کنید. "فَاتَّقُوا اللَّهَ" پس از خدا پروا بدارید. در ترجمه‌ی فارسی ناگزیرانه‌ای که ما کردیم در این ورقه، "فَاتَّقُوا اللَّهَ" پس از خدا پروا بدارید، این یک.

"وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ" میان خود را اصلاح کنید. بر سر چیزهای جزئی به جان هم نیافتید. بهانه برای به جان یکدیگر افتادن نجوید. خاصیت یک عده مردمی که جنگشان می‌آید با دوستان نه با دشمنان! همین است که به دنبال بهانه‌های کوچک برای جنگیدن و دعوا کردن و ایجاد اختلاف می‌گردند! نصیحت خدا و رسول به این‌گونه مردم این است که به جای این که برای جنگیدن با دوستان بهانه بجوید؛ برای

جنگیدن با دشمنان بهانه‌ها را پنهان نکنید! اگر اهل جنگی با دشمن بجنگ با برادر چرا؟! با دوست چرا؟!  
" وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ " این دو تا توصیه‌ی بزرگ.

توصیه‌ی سوم یک مطلبی است که کلی است و شامل همه‌ی کارهای نیک و اجتناب از همه‌ی کارهای بد می‌شود. " وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ " و اطاعت کنید، فرمان ببرید خدا را و پیامبرش را، " اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ " اگر شما مومنینید. به مناسبت نام مومن در پایان این آیه، آیه بعد درباره‌ی صفات مومنان و شرایط ایمان باز ادامه‌ی سخن می‌دهد.

« اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا » از برای مومن راستین پنج خصلت در اینجا معین شده. ممکن است این پنج خصلت در گوینده و شنونده نباشد. اما اگر کسی در راه ایجاد این پنج خصلت در خود، تلاشی و فعالیتی بکند؛ باز در راه ایمان، در راه هدف ایمان و شایسته‌ی نام مومن هست. مومن راستین آن کسی است که این پنج صفت در او باشد.

اول: " اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ " منحصرأ مومنان، " الَّذِينَ " آن کسانی هستند که " إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ " چون یاد شود خدا، " وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ " به بیم آید دل‌هاشان! یعنی چه به بیم بیاید؟ انسان در مقابل اشیاء بزرگ، ضواک عظیم، حقیقت‌های باشکوه، قهراً احساس دهشت و حیرت می‌کند. خاصیت وجودی انسان این است. ترکیب روحی و جسمی انسان، این را ایجاب می‌کند. در مقابل هر چیز با عظمتی، هر انسانی، احساس می‌کند حالت دهشتی را در خود.

" وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا " نشانه‌ی دیگر مومن این است که وقتی آیات خدا بر آنان فروخوانده می‌شود؛ یا خودشان می‌خوانند؛ یا کس دیگری برای آن‌ها این آیات را فرومی‌خواند؛ ایمانشان افزون می‌گردد. " زَادَتْهُمْ إِيمَانًا " این ایمان مانند بذری در دل او و روح او رشد می‌کند، بزرگ می‌شود، مانند گیاهی بالا می‌آید، مانند درختی ساقه و ریشه‌اش ستبر می‌شود. آن چنانی که امکان ریشه‌کن کردن آن از میان می‌رود.

دنباله‌ی آیه " وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ " نشانه‌ی دیگر مومنین این است که بر پروردگار خود توکل و اتکاء می‌کنند. یعنی چه توکل می‌کنند؟ یعنی دست را روی دست می‌گذارند، می‌گویند خدا خودش درست کند؟! نه، معنای توکل این نیست. پس توکل یعنی چه؟ توکل یعنی در همه حال اتکاء و امیدت به خدا

باشد. به نظر من دو بال نیرومند برای پرواز انسان در تلاش‌های زندگی، یکی صبر است یکی توکل. هر امتی که این دو بال را داشته باشد؛ از تیررس دشمن‌های خاکی به کلی دور خواهد شد. بال صبر و بال توکل. " وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ " این سه تا علامت برای مومن.

چهارم: " الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ " آن‌ها که به پا می‌دارند نماز را. آقایان توجه کنید. یک فرقی هست بین تعبیر " الَّذِينَ يُصَلُّونَ " و " الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ "، " يُصَلُّونَ " یعنی نماز می‌گزارند. اگر فقط نماز گزاردن مطرح بود؛ فقط این دو تا راست شدن اگر مطرح بود، اینجا لازم نبود که " يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ " بگویند؛ دو کلمه بیاورند، طول و تفصیل بدهند! می‌توانستند بگویند " يُصَلُّونَ "، " الَّذِينَ يُصَلُّونَ " آن‌هایی که نماز می‌خوانند. پیداست که " يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ " به پا می‌دارند نماز را، این غیر از نماز خواندن است. یک چیز دیگری است. یک حقیقت برتر و بالاتری است. چیست به نظر شما این حقیقت؟ به پا داشتن نماز یعنی چه؟ چندین می‌شود احتمال داد. ممکن است همه‌ی این احتمالات هم درست باشد.

یکی این که بگوییم اقامه‌ی نماز، به پا داشتن نماز، یعنی نماز را به صورت کامل، به صورت همه جانبه، به صورت تمام، به جا آوردن. احتمال دیگر این است که " الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ " نماز را به پا می‌دارند، یعنی در جامعه به پا می‌دارند. جامعه را جامعه نماز خوان می‌کنند. نه این که فلانی نماز خوان نیست؛ نماز خوانش کنیم! یعنی جامعه‌ی نماز خوان یعنی جامعه‌ای که دائماً به یاد خدا و در راه خداست. جامعه‌ای که می‌گوید " إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ " جز خدا کسی را عبادت و عبودیت نمی‌کند! و جز به خدا به هیچ کس دیگر اتکاء و استعانت نمی‌جوید! جامعه نماز خوان یعنی آن جامعه‌ای که هر روز از سردمداران فساد یعنی " مَغْضُوبٌ عَلَيْهِمْ " و از دنباله‌روان فساد یعنی از " ضَالِّينَ " تبری می‌جویند. نماز این‌هاست!

" وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ " نشانه‌ی دیگر مومنان چیست؟ این است که از آنچه به آنان روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند. " وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ " یعنی چه؟ یعنی مومنین آن کسانی هستند که از آنچه ما به آنان روزی کرده‌ایم، اسم مال در آن نیست که از پول‌هایی که به آن‌ها دادیم، نه، فرقی نمی‌کند. از پولی که دادیم، از عمری که دادیم، از فرزندی که دادیم، از آبرویی که دادیم، از توان جسمی که دادیم، از زبانی که دادیم، از فکر و مغزی که دادیم، از همه‌ی امکاناتی که دادیم، " وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ " از هر آنچه ما به آن‌ها روزی داده‌ایم، چه می‌کنند؟ " يُنْفِقُونَ " انفاق می‌کنند. یعنی به جا خرج می‌کنند، نه هر خرج کردنی! " أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا " اینانند مومنان راستین.

« وَ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ » برای آنان است رتبه‌هایی، " درجات "، رتبه‌ها، مرتبه‌ها، " عِنْدَ رَبِّهِمْ " در نزد پروردگارشان، " وَ مَغْفِرَةٌ " غفران هم از آن این‌هاست. همان مغفرتی که دیروز معنا کردم برایتان، امیدوارم کاملاً در ذهنتان و یادتان مانده باشد و بماند، اگر خدا بناست به کسی مغفرت بدهد، بناست جراحی را که از گناه در روح کسی به‌وجود آمده، التیام ببخشد؛ جراحات گناه این چنین افرادی را التیام خواهد بخشید.

« وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ » و روزی شرافتمندانه، روزی کریمانه، بی‌ذلت، بی‌عسرت، بی‌سرافکنده‌گی، بی‌بیچارگی! این چنین روزی خدا به این‌ها می‌دهد.

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری